

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: ش. حمید

هفدهم جون 2013

اشعار برگزیده زنده یاد "داوود سرمد"

(پنجاه و شش)

شهر عشق

باز آتش زد به جان من، دریغ
باز میلرزد چو نقش روی آب

باز برق بی پروائی چشمان او
باور من نیز چون پیمان او

باز بیرحمانه با تیغ هوس
تا بریزد باده یادش به خاک

رشته خام و فایش را گسست
ساغر اندیشه ام را هم شکست!

باز سرمای غرور خشک او
صرصر پائیزی عشق او وزید

شعله سرخ غرورم را فسرد
غنچه رویای من پژمرد و مرد!

باز در گوش امید کور من
باز روی موج سیلاب غمش

میرسد آواز گام پای مرگ
بیکر من، میرود مانند برگ!

باز قلبم میتپد دیوانه وار
قطره قطره آرزو خون میشود

از زبان خامه ام خون میچکد
چون سرشک از دیده بیرون میچکد!

باز روز قلب من را مهر او
باز برق اختار الماس اشک

با غروب خود شبستان کرده است
شهر چشم را چراغان کرده است

آه از این قلبی که شد خاک و هنوز میبرد تا پای جان فرمان او
میزند پَر در هوایش چون غبار تا ببوسد گـوشهٔ دامن او!
